

بازگشت به فطرت

بر اساس سخن صریح قرآن فطرت دین به صورت خالص و پاک از هر گونه آلودگی در درون جان آدمی وجود دارد، و انحرافات یک امر عارضی است:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ

الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ - پس روی خود را متوجه آیین خالص

پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده دگرگونی در

آفرینش الهی نیست این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی دانند!» (روم/۳۰)

بنا بر این وظیفه پیامبران این است که این امور عارضی را زایل کنند و به فطرت

اصلی انسان امکان شکوفایی دهند.

دوام اعتقاد مذهبی و ایمان به خدا در طول تاریخ پرماجرایی بشر خود نشانه‌ای بر

فطری بودن آن است، چرا که اگر عادت بود نه جنبه عمومی و همگانی داشت، و نه

دائمی و همیشگی بود، این عمومیت و جاودانگی آن دلیلی است بر این که ریشه

فطری دارد.

نکته مهم دیگر این است که نه تنها خداشناسی، بلکه دین و آئین به‌طور کلی، و

در تمام ابعاد، یک امر فطری است، و باید هم چنین باشد، زیرا مطالعات توحیدی به

ما می‌گوید میان دستگاه " تکوین " و " تشریح " هماهنگی لازم است، آن چه در شرع

وارد شده حتماً ریشه‌ای در فطرت دارد و آن چه در تکوین و نهاد آدمی است مکملی

برای قوانین شرع خواهد بود.

اما آن دین و آیین فطری هم اسلام است به همین دلیل هم قرآن می‌فرماید به جز اسلام دین دیگری قابل قبول نیست.

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ - دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است.» (آل عمران/۱۹)

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ - و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت، از زیانکاران است.» (آل عمران/۸۵)

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا - امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.» (مائده/۳)

بشر امروز آن قدر در تباهی و گمراهی غرق شده است که خود را در آستانه نابودی می‌بیند از این رو به دنبال دست‌آویزی برای نجات است. آن دست‌آویز هم با ندای فطرت بازگشت به معنویات خواهد بود و اگر انسان به فطرت الهی خویش بازگردد دینی به جز اسلام اختیار نمی‌کند. از این رو شاهد اقبال روز افزون جوامع بشری به اسلام حقیقی هستیم. اما رو آوردن جامعه بشری به اسلام حقیقی زمینه‌های ایجاد دولت حق را ایجاد می‌کند و رشد فکری بشر را به دنبال خواهد داشت. این رشد مانع از رفتن به زیر بار ظلم و جهالت و غرق شدن در شهوات خواهد بود. واضح است که چنین اتفاقی باعث رفع سلطه شیاطین جن و انس بر عالم هستی است، به همین دلیل سران ظلم و جور درصددند تا به‌جای معنویت حقیقی، یک دست‌آویز دروغین را در اختیار بشر قرار دهند. برای این امر باید دین حقیقی زشت جلوه کند تا رغبت جوامع انسانی به آن کم شود و یا حتی از بین برود.

استکبار جهانی در پی آن است که با ایجاد جو اسلام‌هراسی از یک‌سو و قداست زدایی از امور مذهبی از سوی دیگر، به این هدف شوم خود برسد.

سران ظلم و جور در صد دهند تا به جای معنویت حقیقی، یک دستاویز دروغین را در اختیار بشر قرار دهند. برای این امر باید دین حقیقی زشت جلوه کند تا رغبت جوامع انسانی به آن کم شود و یا حتی از بین برود.

یکی از دلایل اهانت گاه و بیگاه رسانه‌های صهیونیستی به مقدسات جوامع و به‌ویژه اسلام و بالخصوص شخص پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم همان قداست زدایی است.

البته دلیل دیگر آن هم بغض نسبت به خوبی‌هاست:

«قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ - دشمنی از دهان‌شان آشکار شده» (آل عمران/۱۱۸)

زیرا نقشه‌های آنان با شکست روبرو می‌شود:

«وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران/۵۴)

به همین دلیل در یک برنامه‌ریزی (به نظر خودشان دقیق و حساب شده) اختلاف افکنی در جهان اسلام، تزریق خرافات به دین اصیل، ایجاد جو خشونت و وحشیگری توسط مدعیان دین‌مداری و ایجاد مذاهب و دین‌های جدید و پای بندی به خرافات قدیمی را در دستور کار خود قرار داده است. کمی تأمل در فضای رسانه‌ای استکبار و اقدامات عملی آن‌ها در سطح جهان (نه فقط جهان اسلام) رد پای این اقدامات را بر هر صاحب‌اندیشه‌ای آشکار می‌سازد.

در این شماره از نشریه سعی شده با انسجام در مطالب به مجموعه این موارد پردازیم. نظرات، پیشنهادات و به‌ویژه انتقادات شما راه‌گشای ما برای ادامه راه در شماره‌های آینده خواهد بود.